

Analysis of Lifeworld of Research Faculty Members with an Emphasis on Informal Relationships and Interactions

Mojgan Khoshnam 

Faculty Member, Theory-Oriented STI Studies Department, National Research Institute for Science Policy, Tehran, Iran
(khoshnam@nrisp.ac.ir)

Abstract

Knowing the lifeworld of faculty members is important as knowing the real flow of daily life of the most influential actors of the institution of science for policy making and scholarly management of this institution. The lifeworld as a place of communication and interaction is non-unique and consists of actors and is realized based on a common language, which accurate understanding increases the realism of science policy makers. In-depth description and analysis of informal relations and interactions of research faculty members as an important part of their life world has been considered in the current research. For this purpose, qualitative approach, phenomenological method and semi-structured interview tool were used. Using the theoretical sampling method, interviews were conducted with 25 faculty members of 4 research institutes affiliated to the Ministry of Science, respecting the diversity of disciplines, and continued until theoretical saturation was reached. To analyze the collected data, Stoick-Kolaizi-Kine method considered by Moustakas was used. The findings show constructive and destructive semantic units in the lived experience of faculty members. Factors affecting these perceptions are also shown as the system, place of interactions, official interactions and social networks. As a result, some of the functions of the institutions can be left to the informal space of faculty members. The trust of management systems in this space and the facilitation of relationships and interactions, the cause of informal social supervision and the increase of unethical costs, the realization of implicit and collaborative learning, creating a sense of vitality and motivation to conduct research, helping the socialization of the new faculty, gaining understanding between disciplines. It is for agents and activists that it is realized in the informal atmosphere and in the form of soft and latent measures.

Keywords: Faculty Members, Interactions and Communications, Lifeworld, Research Institutions.

How to Cite this Paper:


Khoshnam, Mojgan. (2024). **Analysis of Lifeworld of Research Faculty Members with an Emphasis on Informal Relationships and Interactions.** *Journal of Science & Technology Policy*, 17(1), 1-18. {In Persian}.

DOI: 10.22034/JSTP.2024.11598.1752





تحلیل زیست جهان اعضای هیئت علمی پژوهشی با تاکید بر مناسبات و تعاملات غیررسمی

مژگان خوشنام* 

عضو هیئت علمی گروه مطالعات نظری علم، فناوری و نوآوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران.

(khoshnam@nrisp.ac.ir)

چکیده

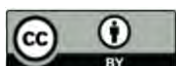
شناخت زیست جهان اعضای هیئت علمی به مثابه شناخت جریان واقعی زندگی روزمره تاثیرگذارترین کنشگران نهاد علم، برای سیاستگذاری و راهبری عالمانه این نهاد حائز اهمیت است. زیست جهان به عنوان محل ارتباط و تعامل غیرمنفرد و متشکل از کنشگران بوده و براساس زبان مشترک تحقق می‌یابد که دریافت دقیقی از آن واقع‌گرایی سیاستگذاران علم را افزایش می‌دهد. توصیف عمیق و تحلیل مناسبات و تعاملات غیررسمی اعضای هیئت علمی پژوهشی به عنوان بخش مهمی از زیست جهان آنها در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است. به این منظور، از رویکرد کیفی، روش پدیدارشناسی و ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری با ۲۵ نفر از اعضای هیئت علمی ۴ موسسه پژوهشی وابسته به وزارت علوم با رعایت تنوع رشته‌ای، مصاحبه انجام شد و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. برای تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از روش استویک-کولایزی-کین مدنظر موستاکاس استفاده شد. یافته‌ها نشان از واحدهای معنایی سازنده و مخرب در تجربه زیسته اعضای هیئت علمی دارد. عوامل موثر بر این ادراکات نیز، سیستم، مکان تعاملات، تعاملات رسمی و شبکه‌های اجتماعی نشان داده شده است. نتیجه آن‌که، برخی از کارکردهای موسسات را می‌توان به فضای غیررسمی اعضای هیئت علمی واگذار کرد. اعتماد نظام‌های مدیریتی به این فضا و تسهیل مناسبات و تعاملات، سبب نظارت اجتماعی غیررسمی و بالارفتن هزینه بی‌اخلاقی، تحقق یادگیری ضمنی و مشارکتی، ایجاد حس سرزندگی و انگیزش برای انجام پژوهش، کمک به جامعه‌پذیری هیئت علمی جدید، کسب فهم میان‌رشته‌ای برای عاملان و کنشگران است که در فضای غیررسمی و در قالب اقدامات نرم و نهفته محقق می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اعضای هیئت علمی، تعاملات و ارتباطات، زیست جهان، موسسات پژوهشی.

برای استنادات بعدی به این مقاله، قالب زیر به نویسندگان محترم مقالات پیشنهاد می‌شود:

خوشنام، مژگان (۱۴۰۳). تحلیل زیست جهان اعضای هیئت علمی پژوهشی با تاکید بر مناسبات و تعاملات غیررسمی. *سیاست علم و فناوری*، ۱۷(۱)، ۱-۱۸.

DOI: 10.22034/JSTP.2024.11598.1752



۱- مقدمه

فرد در نهاد علم که معمولاً دور از نظارت نظام رسمی و عادت‌واره‌های رسمی در حال جریان و تجربه است. اعضای هیئت‌علمی تجربه‌هایی در خارج از کلاس درس، در محافل، دورهمی‌ها و شبکه‌های بین‌فردی خود دارند.

آنچه در واقعیت وجود دارد این است که برای اعضای هیئت‌علمی، نهاد علم علاوه بر محیط علمی، محیطی است برای کسب تجربه‌های جدید از جمله ارتباط با افراد مختلف و گسترش دایره ارتباطی، تقویت توانمندی‌های علمی و مدیریتی خود، شناساندن خود به جامعه علمی، گپ‌وگفت غیررسمی با افرادی از رشته‌های تخصصی متفاوت و موارد دیگری از این دست. در کنار جنبه عینی رفتار اعضای هیئت‌علمی، دریافت معنی ذهنی این افراد نیز بسیار مهم است. ذهنیت، راه ادراک ما از جهان است، شناخت عمیق از اینکه عضو هیئت‌علمی چه نگرش و ادراکی نسبت به کنش‌های خود دارد کمک می‌کند تا در پرتو شناخت این معانی، سایر مسائل و دغدغه‌های اعضای هیئت‌علمی نیز بهتر کشف و تحلیل و قابل فهم شود. این تجربیات قابل مطالعه عمیق جامعه‌شناختی است بدین دلیل که همه چیز در قالب سیستم رسمی و قانونی و چارچوب‌مند تعریف نمی‌شود. همانگونه که فراستخواه [۲] نگاه به دانشگاه به عنوان کارخانه تولید مقاله و انتظار دوپینگ تولید مقاله از عضو هیئت‌علمی را دور کردن دانشگاه از تعریف اصیل آن و ریاکاری علمی می‌داند. مهم این است که دانشگاه (و بطور عام‌تر، نهاد علم)، اجتماع زنده و سرحال و در حال رشد و بالنده‌ای از دانشمندان و استادان را داشته باشد که این امر مقالات و اختراعات و نوآوری را نیز در پی خواهد داشت. این مستلزم حمایت از جریان واقعی زندگی در دانشگاه است. جریان واقعی زندگی عضو هیئت‌علمی، آن چیزی است که در امور روزمره او در جریان است. در فرهنگ جامعه‌شناسی، اصطلاح زیست‌جهان^۲ به زندگی عادی و روزمره، بدان‌گونه

برای زندگی اعضای هیئت‌علمی می‌توان دو ساحت رسمی و غیررسمی در نظر گرفت. ساحت رسمی زندگی اعضای هیئت‌علمی، تجربه‌هایی است که در کلاس درس، تعامل با مدیران، حضور در شوراها، جلسات و نشست‌های رسمی، کنفرانس‌ها و همایش‌ها، ایفای نقش به عنوان استاد راهنما و مشاور پایان‌نامه رخ می‌دهد. روابط رسمی براساس اهداف و انتظارات از پیش تعیین شده شکل می‌گیرد و معمولاً در چارچوب دانشگاه و در قالب فعالیت‌های علمی و دانشگاهی به پیش می‌رود. انتظار دانشگاه از اساتید این است که برای دستورالعمل‌ها و قوانین رایج در دانشگاه احترام قائل باشند، براساس آنها رفتار کنند و کنش‌هایشان را معطوف به آنها شکل دهند.

داگلاس نورث^۱، نهادها را در سه دسته سخت و رسمی (شامل قوانین، سیاست‌ها، ساختارها و دستورالعمل‌ها)، دسته نرم و غیررسمی (شامل هنجارهای اجتماعی، آداب و رسوم، اعتماد و سرمایه اجتماعی، قواعد رفتاری^۲، شبکه‌های غیررسمی بین‌فردی و بین‌سازمانی) و نهادهای فیزیکی (نظیر بنگاه‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات تأمین مالی) دسته‌بندی می‌کند [۱]. در مطالعات جامعه‌شناسی علم و فناوری تمرکز محققین عمدتاً بر دسته‌های سخت و رسمی و فیزیکی بوده است. این امر ممکن است ریشه در این تصور داشته باشد که شناخت جنبه‌های سخت و رسمی به تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها در نهاد علم کمک بیشتری می‌کند. دسته نرم و غیررسمی هرچند در ابعادی مورد بررسی قرار گرفته اما همچنان به نظر می‌رسد در نسبت با ابعاد رسمی و سخت، کمتر مورد توجه محققین و سیاست‌پژوهان علم و فناوری بوده است.

اما زندگی اعضای هیئت‌علمی در نهاد علم، شامل ساحت غیررسمی نیز می‌شود. آن قسمتی از زندگی و تجربه زیسته

¹ Douglass North

² Codes of Conduct

³ Lifeworld

ساحت غیررسمی را بیشتر می‌نماید. چه بسیار سیاست‌ها و برنامه‌هایی که پس از ورود به نهاد دانشگاه و مراکز و موسسات پژوهشی در تلاقی و برخورد با سنت‌ها، فرهنگ و ارزش‌ها که ماحصل زیست‌کنشگران نهاد علم است دستخوش تغییر شده و سیاست‌ها و برنامه‌های زایشی جدید شکل گرفته است. این امر تضادی را نشان می‌دهد در پیشینه موضوع و آنچه در واقعیت زیست روزمره اعضای هیئت‌علمی دیده می‌شود.

پژوهش‌های انجام شده حول مفهوم زیست‌جهان در چند دسته‌بندی قرار می‌گیرد: فلینترود^۳ و همکاران [۷]، هوگمو^۴ و همکاران [۸]، روزنبرگ^۵ و همکاران [۹] و خزایی [۱۰] در حوزه سلامت و پزشکی به تحقیق در خصوص تجربه زیسته بیماران خصوصا مبتلایان به بیماری‌های سرطان، سایر بیماری‌های مزمن، زیست‌جهان پزشکان و پرستاران پرداختند. در حوزه آموزش عالی جاکوبیک^۶ [۱۱]، تیلاک^۷ و همکاران [۱۲]، اصغری [۱۳] و فراستخواه [۱۴] به مطالعه زیست‌جهان دانشجویان، دانشجویانی با قومیت‌های مختلف، دانشجویان مهاجر، اعضای هیئت‌علمی و زیست‌جهان پژوهشگران، در زمینه‌های گوناگون پرداختند. در حوزه جامعه‌شناسی نوردویک^۸ و همکاران [۱۵]، مالابانام^۹ و همکاران [۱۶]، هدایت [۱۷]، کاظمی و همکاران [۱۸]، نجاتی‌حسینی [۱۹] و پژوهش‌های دیگر موضوعاتی از جمله تاثیر فناوری بر زیست‌جهان جوانان، تجربه زیسته افراد از فقر، بی‌خانمان‌ها، بازیگران تئاتر، سالمندان، زیست‌جهان اجتماعی زنان و دختران، کولبران، دین‌گرایان، جوانان و دختران مرزنشین را مطالعه کردند.

بررسی پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده در خصوص مفهوم زیست‌جهان که برخی از آنها در حوزه‌های

که از طرف مردان و زنان معمولی تجربه می‌شود اشاره دارد [۳] و بخش مهمی از زیست‌جهان افراد، تعاملات و مناسبات میان‌شخصی است.

قانع‌راد معتقد است که در تماس‌های غیررسمی اطلاعات خیلی دقیق و خاص در کنار پراکنده‌ترین اطلاعات منتقل می‌شود. تماس‌های غیررسمی اغلب به عنوان مکمل مسیرهای رسمی ارتباطات عمل می‌کنند [۴]. تعامل غیررسمی به طور معمول به دلیل نزدیکی مردم در یک فضای فیزیکی رخ می‌دهد. با این تفاسیر، تعاملات غیررسمی همان برخوردهای اجتماعی هستند با این تفاوت که آنها رسمی، برنامه‌ریزی و یا زمان‌بندی شده نیستند [۵]. دانشمندان ارتباطات غیررسمی را ترجیح می‌دهند زیرا بدین وسیله می‌توانند از دستاوردهای پژوهشی دیگران قبل از انتشار نتایج آنها مطلع شوند. مسیرهای غیررسمی ارتباطات، اغلب متضمن مخیر بودن زیادی است بدین معنی که افراد می‌توانند پیشنهادهایی ارائه دهند بدون اینکه خودشان را متعهد سازند؛ یا کار را مورد انتقاد قرار دهند بدون اینکه در رابطه با اعتبار آن به طور نهایی تصمیم بگیرند [۴].

ارتباطات غیررسمی، رابطه بسیار نزدیکی با پدیده «دانشگاه نامرئی»^۱ که توسط کرین^۲ در سال ۱۹۷۲ مطرح شد دارد. عنوان دانشگاه نامرئی به این موضوع اشاره داشت که اعضای یک جامعه علمی به عنوان مثال دانشگاه، خود را محدود به چارچوب و ساختار و روابط رسمی و سازمانی که در آن قرار دارند نمی‌دانند و معمولا بدون در نظر گرفتن محدودیت و حدود مرزهایی که سازمان برای آنها ایجاد کرده است، در مورد موضوعات پژوهشی خود، عموماً به طور غیررسمی با دیگر افراد تبادل نظر می‌کنند [۶].

از آنجا که ماهیت انسان‌محور دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی و کلیت نهاد علم، درجه پیچیدگی این سازمان‌ها را بالا برده است شناخت این پیچیدگی‌ها الزام درک و شناخت

³ Flinterud

⁴ Høgmo

⁵ Rosenburg

⁶ Jakubik

⁷ Tilak

⁸ Todorović

⁹ Malabanan

¹ Invisible Colleges

² Crane

شهودی، واقعی، تجربه‌شده و قابل تجربه‌ای است که کل زندگی و فعالیت‌های بشر در طول آن شکل می‌گیرد [۲۱]. از نظر او تمام دانش، موجودیت، فرضیات، قطعیات بشر در ازای زیستن در جهان و در اثر هم‌زیستی او با سایر افرادی که در این جهان حضور دارند همواره در حال تغییر است؛ به این ترتیب، زیست‌جهان زمینه و مبنای همه تجربه‌ها، فعالیت‌ها و اعمال طبیعی، اجتماعی و فرهنگی بشریت خواهد بود. هوسرل همچنین متذکر می‌شود که زیست‌جهان مملو از تجربیات مختلف در مورد هر آنچه که در جهان وجود دارد است و از آنجا که براساس تجربه صورت می‌گیرد، فاقد هرگونه نظریه از قبل صادر شده است [۲۲]. از دیدگاه هوسرل زیست‌جهان تنها داده‌ای است که تحلیل پدیدارشناسی باید در آن رخ دهد [۲۳].

مفهوم زیست‌جهان چند سال بعد، باعث شکل دادن به نظریه پدیدارشناسی جامعه‌شناسی آلفرد شوتز^۲ شد؛ شوتز اساساً نظریه جامعه‌شناسی خود را با زیست‌جهانی که قبل‌تر توسط هوسرل مطرح شده بود، آغاز کرد. زیست‌جهان برای شوتز شامل مجموعه‌ای از عناصر دانش ذهنی است که بازیگران فردی برای معنا بخشیدن به زندگی خود از آنها استفاده می‌کنند [۲۴]. شوتز ایده‌آلیسم هوسرل را رد می‌کند و معتقد است که ذهن دیگری را می‌توان در قلمرو هم‌نشینی‌ها، جایی که افراد از طریق تماس‌های مکرر چهره به چهره در حضور فیزیکی با یکدیگر آشنا می‌شوند درک کرد. از این جهت او بر تعامل اجتماعی و روابط بین‌فردی انسان‌ها توجه ویژه‌ای داشت و به طور اخص بر ویژگی‌ها و چرستی و چگونگی و نقش روابط انسان‌ها در جهان متمرکز بود؛ به اعتقاد او واقعیت اجتماعی توسط کنشگران خلق می‌شود [۲۵].

در کنار سایر اندیشمندان مطرح شده، یورگن هابرماس^۳ از اصلی‌ترین و مهم‌ترین نظریه‌پردازان در حوزه زیست‌جهان

مطالعاتی و تخصصی گوناگون نام برده شد، نشان از خلاء در حوزه جامعه‌شناسی علم و فناوری از حیث موضوع و همچنین جامعه هدف مورد مطالعه می‌دهد. مسئله ما در این پژوهش، تحلیلی جامعه‌شناختی از تعاملات غیررسمی اعضای هیئت‌علمی به عنوان بخش مهمی از زیست‌جهان این کنشگران است. زندگی‌ای که هرچند در نهاد علم، دانشگاه محل اشتغال یا موسسه و پژوهشگاه در جریان است اما در قالب‌های رسمی قرار نمی‌گیرد. گاهی در تقابل با سیستم قرار می‌گیرد و گاهی در بستر تعاملات، سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی افراد را فزونی می‌بخشد. مقاله به دنبال پاسخ به این سوال است که ادراکات اعضای هیئت‌علمی از تجربه تعاملات غیررسمی به عنوان بخش مهمی از زیست‌جهان آنها چیست و عوامل موثر بر این ادراکات کدامند؟

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مفهوم زیست‌جهان پایه و اساسی فلسفی جهت درک و دریافت چرستی و چگونگی دیدگاه، رفتار، طرز فکر و به بیان کلی شیوه زندگی یک موجودیت در جهان را برای بشریت فراهم آورده است [۲۰]. در مباحث و متون فلسفی فارسی، زیست‌جهان با عبارات مشابهی از قبیل «دنیای زندگی»، «جهان زندگی» و «جهان روزمره» به کار گرفته می‌شود و تعاریف گوناگونی نیز برای آن ارائه شده است. از نظر جامعه‌شناختی، زیست‌جهان عبارت از برترین حقیقت و هدف عمده جستجوهای جامعه‌شناسانه است [۳].

از نقطه نظر تاریخی، مفهوم زیست‌جهان اولین بار توسط ادموند هوسرل^۱ فیلسوف آلمانی، ارائه شد. پس از هوسرل فیلسوفان بسیاری به بحث و ارائه نظر پیرامون زیست‌جهان پرداختند و با اضافه کردن آرای خود آن را بسط داده و تکمیل نمودند. به اعتقاد هوسرل زیست‌جهان مجموعه‌ای از مقاصد، علایق و عادت‌های ما است؛ زیست‌جهان دنیای

^۲ Alfred Schütz

^۳ Habermas

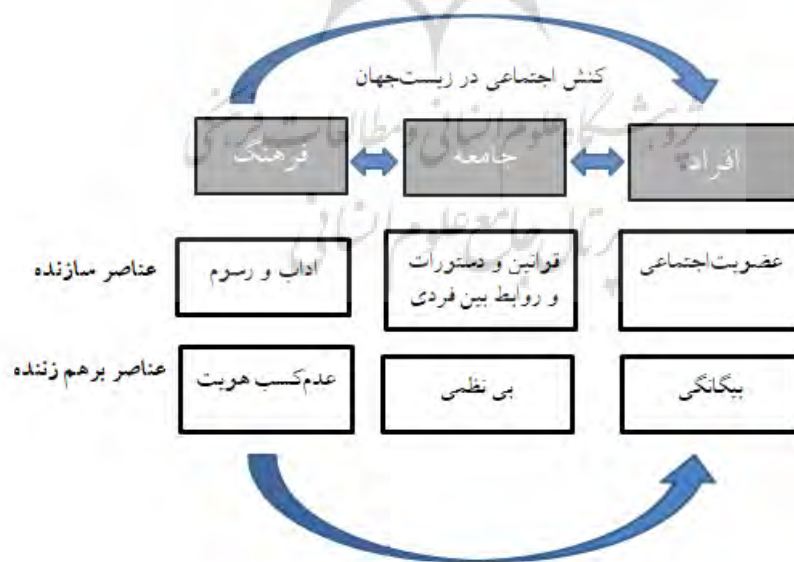
^۱ Edmund Husserl

ارتباط با سایر افراد کسب می‌کنند؛ منظور از جامعه، قوانین و دستورات و چارچوبی است که برای شرکت‌کنندگان و هریک از افرادی که در این محیط زندگی می‌کنند، تعیین شده است و در نهایت، منظور از فرد، کسی است که توانایی صحبت کردن و برقراری ارتباط با دیگران را دارد. همانطور که در شکل ۱ نشان داده شده، باید تاکید کرد که بدون هریک از عوامل مذکور زیست‌جهان موجودیت نخواهد یافت [۲۹].

هابرماس در بحث زیست‌جهان به مفهوم فناوری نیز اشاره کرد که در نظریه‌های فیلسوفان پیش از او کمتر دیده شده است. از نظر هابرماس رابطه‌ای متقابل بین زیست‌جهان و فناوری برقرار است؛ فناوری به شکل یک میانجی عمل کرده، با ایجاد یک پس‌زمینه مشترک و یکپارچگی اجتماعی نوعی درک متقابل بین اعضای زیست‌جهان فراهم می‌آورد که این درک متقابل و یکپارچگی تنها به جهت حضور افراد در این زیست‌جهان امکان‌پذیر است [۳۱].

محسوب می‌شود. او این مفهوم را از فلسفه پدیدارشناسی هوسرل و فلسفه اجتماعی شوترز وام گرفت و با درک و دریافت خود گسترش داد. هابرماس مفهوم «کنش ارتباطی» را به زیست‌جهان اضافه کرد و در طول تعریف زیست‌جهان، او عموماً بر کنش‌های ارتباطی غیررسمی که در جامعه، بین دوستان و اعضای خانواده برقرار است متمرکز بود [۲۶]. به زعم هابرماس زیست‌جهان قلمروی تجارب روزمره، مکالمات جمعی، ارزش‌های فرهنگی، علم، سیاست و هنر است [۲۷]. او عقیده دارد که عقلانیت موجود در کنش ارتباطی و زیست‌جهان پدیده‌ای عجیب و دست‌نیافتنی نیست بلکه در درون کنش‌های تفاهمی ما در قالب زبان شکل می‌گیرد و به واسطه این کنش ارتباطی، بازتولید می‌شود، به این ترتیب زیست‌جهان منبع تعاملات معمولی است [۲۸].

از نظر هابرماس زیست‌جهان دارای سه وجه «فرهنگ»، «جامعه» و «افراد» است؛ منظور هابرماس از فرهنگ، ذخیره دانشی است که افراد در طول مدت زندگی خود و در طول



شکل ۱) کنش اجتماعی به عنوان عامل سازنده در زیست‌جهان [۳۰]

پرداخته است. این مطالعه دانشگاه را از دید دانشجویان، به مثابه یک کلپ اجتماعی ترسیم نموده، همچنین اهمیت فرهنگ شفاهی و عاطفی و تصویر اجتماعی مخدوش‌شده دانشگاه از دیگر معانی بدست آمده است [۱۴]. هدایت در مقاله خود به درک پدیدارشناسانه از زیست‌جهان دختران مرزنشین در مواجهه با وضعیت فارغ‌التحصیلی از دانشگاه پرداخته است. این مطالعه به چهار بعد بدن زیسته، زمان زیسته، فضای زیسته و روابط انسانی زیسته پرداخته و نشان می‌دهد که بدن فرسوده در حال تحلیل که ورود به آموزش عالی و مرزنشینی را مسبب آن می‌دانند، زمان را به صورت استرس همراه با رنج اجتماعی زیست می‌کنند و فضای مرز برای آن‌ها به صورت ناامن و بی‌ثبات درک می‌شود. همچنین روابط انسانی را متناقض تفسیر می‌کنند که حکایت از گسست از روابط قبل و بعد از فارغ‌التحصیلی دارد [۱۷]. نورشاهی و همکاران به مطالعه کیفیت زندگی کاری اعضای هیئت‌علمی و کشف عوامل موثر بر آن با تاکید بر تجربه زیسته آنها پرداختند و کنش‌های ارتباطی و تعاملات همکارانه، اخلاق حرفه‌ای، آزادی علمی، رضایت شغلی، عوامل اقتصادی، فرهنگ سازمانی و عوامل سیاسی را در افزایش کیفیت زندگی کاری اعضای هیئت‌علمی موثر دانستند [۳۲].

با بررسی دقیق‌تر تعدادی از پژوهش‌های انجام شده حول مفهوم زیست‌جهان به عنوان مفهوم محوری این پژوهش، چند نکته را می‌توان در نسبت با هدف و سوال اصلی مقاله حاضر، استنباط نمود. ابتدا آنکه مطالعات، به تجربه زیسته جامعه هدف‌های گوناگون پرداخته‌اند. هرچند اعضای هیئت‌علمی نیز هدف برخی از این پژوهش‌ها بوده‌اند اما ادراک اعضای هیئت‌علمی از تعاملات غیررسمی و عوامل موثر بر آن به عنوان سوال محوری این مقاله، در پژوهش‌های پیشین دیده نشد. همچنین اعضای هیئت‌علمی پژوهشی فعال در موسسات پژوهشی بنا بر ماهیت کاری متفاوت خود از اعضای هیئت‌علمی آموزشی در دانشگاه‌ها، جامعه مورد هدف این مطالعه است. نکته دوم اینکه کشف زیست‌جهان افراد جامعه بنا بر ماهیت آن، که نیازمند دستیابی به ادراک افراد است؛ مطالعه کیفی و خصوصاً پدیدارشناسی را ضروری می‌نماید،

پس از مرور تعاریف مختلف از زیست‌جهان در نظریات نظریه‌پردازان؛ نشان داده شد که این مفهوم، مفهومی گسترده است و تعاریف متعددی دارد. تعریف مد نظر این پژوهش از زیست‌جهان محل ارتباط و تعامل غیرمنفرد و متشکل از کنش‌گران است. تعامل در این مکان از طریق کنش ارتباطی و براساس زبان مشترک تحقق می‌یابد. ارتباط میان‌شخصی درون زیست‌جهان باز، آزاد و بدون فشار است و شامل قلمروی تجارب روزمره و گفتگوهای جمعی می‌شود. باورها و ارزش‌های مشترک، تشکیل‌دهنده زیست‌جهان هستند و زیست‌جهان و قدرتش است که حدود آگاهی افراد را تعیین می‌کند. کنش‌ها و اهدافشان در درون زیست‌جهان، خواسته‌های مختلف افراد را در بردارد و کنش‌گران می‌توانند از طریق تعامل، عدم‌توافق‌ها را از میان بردارند و به توافق‌هایی دست یابند. سیستم در مقابل زیست‌جهان قرار دارد. از ویژگی‌های آن می‌توان به داشتن اصول و قواعد منطقی و ساختاری خاص اشاره کرد که براساس منافع عقلانی در حرکت است و دربردارنده قدرت و فشار می‌باشد.

همانگونه که پیشتر نیز به آن اشاره شد، تحقیقاتی حول مفهوم زیست‌جهان در حوزه‌های مختلف انجام شده است. تیلاک و همکاران با روش اسنادی، به دنبال مطالعه زیست‌جهان جایگزین در آموزش از راه دور دموکراتیک مبتنی بر دیدگاه هابرماس هستند. در این مطالعه با آسیب‌شناسی شیوه‌های فعلی از بالا به پایین رایج در آموزش از راه دور، به گسترش دانش رایگان از طریق ارتباطات باز و چندکانالی در آموزش از راه دور و پیشنهاد پلتفرم‌هایی می‌پردازند تا امکان تعاملات فردی و گروهی در بستر مذکور فراهم شود [۱۲]. اصغری با مطالعه پدیدارشناسانه تجربه زیسته دانشجویان ایرانی به دنبال کشف زیست‌جهان دانشجویان ایرانی دانشگاه‌های کشور بلژیک است. یافته‌ها نشان‌دهنده مزیت تحصیل، افزایش ارتباط بین‌فرهنگی و افزایش شانس شغلی و چالش‌هایی از جمله ناکافی بودن دانش زبانی دانشجویان، تفاوت نظام آموزشی مقصد و مبدا و تفاوت‌های فرهنگی می‌باشد [۱۳]. فراستخواه با مطالعه زیست‌جهان دانشجویان ایرانی، به بررسی ادراک زیسته‌شده و تجربه‌شده دانشجویان از یک دانشگاه باسابقه، بزرگ و دولتی در تهران و با روش پدیدارشناسی

استفاده از نمونه‌گیری نظری به مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با اعضای هیئت‌علمی پرداخته شد. در نمونه‌گیری نظری، نمونه‌ها از پیش تعیین شده نیستند و پس از انجام مصاحبه با مشارکت‌کننده اول و استخراج مضامین، محقق تصمیم می‌گیرد که به سراغ چه فردی با چه ویژگی‌هایی برود. مصاحبه‌ها تا آنجا ادامه پیدا کرد تا به اشباع نظری رسیده و اینطور به نظر آمد که پاسخ‌های اعضای هیئت‌علمی پژوهشی در یک دامنه‌ای تکرار می‌شود.

در نهایت با ۲۵ نفر از اعضای هیئت‌علمی موسسات مذکور، با رعایت تنوع رشته‌ای، جنسیت، سن و سابقه کار مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شد.

روشی که کرسول برای تحلیل پدیدارشناسی اطلاعات توصیه می‌کند، روش استویک-کولایزی-کین^۲ مدنظر موسستاکاس است که شامل مراحل برای رسیدن به واحدهای معنایی و در نهایت توصیف ذات پدیده می‌شود [۳۵]. در شکل ۲ مراحل تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از مشارکت‌کنندگان پژوهش نشان داده می‌شود.

همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، بنا بر مسئله پژوهش که مطالعه تجربه زیسته اعضای هیئت‌علمی بوده است، روش پدیدارشناسی انتخاب شد. پس از صورت‌بندی دقیق مسئله و تنظیم سوالات پژوهش، به جمع‌آوری اطلاعات از ۲۵ عضو هیئت‌علمی پژوهشی موسسات منتخب با استفاده از نمونه‌گیری نظری پرداخته شد. استخراج اظهارات مهم گام بعدی تحلیل اطلاعات گردآوری شده از تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان بوده است. افق‌سازی^۳ داده‌ها، متشکل از اظهارات مهم مشارکت‌کنندگان است که در زمان ارائه توصیف زمینه‌ای به آنها استناد و اشاره می‌شود. از تلفیق و تلخیص اظهارات مهم یا گزاره‌های مستخرج از متن مصاحبه‌ها، واحدهای بزرگتر به نام واحدهای معنایی^۴ بدست آمد. در گام بعدی تحلیل، مضامین ذیل هرکدام از واحدهای معنایی، توصیف شده است. در نهایت توصیفی از "آنچه" مشارکت‌کنندگان در مورد پدیده تجربه کرده‌اند ارائه می‌شود که "توصیف زمینه‌ای" تجربه نامیده می‌شود.

اگرچه تعدادی از پژوهش‌ها روش‌های دیگری از جمله اسنادی را برای این منظور انتخاب کرده بودند. مقاله حاضر نیز بنا بر همین ضرورت با استفاده از روش پدیدارشناسی سعی در نزدیک شدن به ادراک و تجربه زیسته اعضای هیئت‌علمی پژوهشی داشته است. لذا با توجه به موارد فوق، و نیز دیدگاه نادرست رایج مبنی بر کم‌تاثیر انگاشتن ابعاد اجتماعی نرم، غیررسمی و نهفته نهاد علم در کمک به سیاست‌گذاران و مدیران، خلاء موجود و ضرورت پرداختن به این پژوهش را روشن می‌سازد.

۳- روش پژوهش

برای پاسخ به سوالات و دستیابی به اهداف، از رویکرد کیفی، روش پدیدارشناسی و تکنیک مصاحبه استفاده شده است. انتخاب روش پدیدارشناسی در این پژوهش، بدین دلیل بوده است که پدیدارشناسی، اساساً مطالعه تجربه زیسته یا دنیای زندگی است [۳۳]. با توجه به موضوع مورد مطالعه ما در این پژوهش که زیست‌جهان اعضای هیئت‌علمی است و از آنجا که موضوع مورد مطالعه تعیین‌کننده روش است، بنابراین جهت کشف ادراک ذهنی اعضای هیئت‌علمی از تجربه تعاملات غیررسمی با سایر همکاران خود، از روش پدیدارشناسی استفاده شد.

پدیدارشناسی روشی است که به پژوهشگر کمک می‌کند تا معنا و ماهیت تجربه‌های زیسته افراد از پدیده‌های جهان را بهتر درک کند [۳۴]. از دید کرسول^۱ پدیدارشناسی صرفاً یک توصیف نیست، بلکه فرایندی تفسیری است که در آن پژوهشگر به تفسیر معنای تجارب زیسته می‌پردازد. از نگاه او، پدیدارشناسی، فهمی عمیق از یک پدیده چنانچه توسط چندین فرد تجربه شده است را ارائه می‌دهد [۳۵].

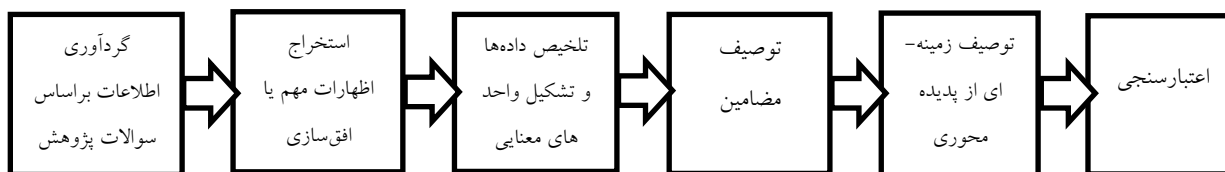
اعضای هیئت‌علمی پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی که از واحدهای پژوهشی وزارت-ستادی شهر تهران در حوزه‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی هستند، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. با

² Stevick-Colaizzi-Keen

³ Horizontalization

⁴ Meaning Units

¹ Creswell



شکل ۲) گام‌های تحلیل داده پدیدارشناختی [۳۶]

هزینه-فایده شکل دهند. مشورت‌ها و یاری رساندن علمی و یا غیرعلمی بدون چشم‌داشت در میان همکاران، حس خوشایندی را میان افراد جاری می‌سازد. عضو هیئت‌علمی، ادراک خود از این موضوع را اینطور بیان می‌کند "مناسبات هزینه-فایده نیست. جریان برد-پردی طراحی شده است که جنسش خیلی با مولفه‌های کاری و اقتصادی فرق دارد".

به نظر می‌رسد کشش افراد به اخلاقمداری در تعاملات غیررسمی با همتایان و سایر دانشمندان، تأثیرگذاری و پایداری بیشتری نسبت به نگاه نصیحت‌نامه‌ای به رعایت اخلاق در فضای علمی و دانشگاهی دارد. اعتماد به فضای غیررسمی و واگذاری برخی از امور و اصلاحات شخصی و نهادی به این فضا، نتایج رضایت‌بخشی را برای سیستم و سایر کنشگران خواهد داشت. وجود نظام تنبیه و پاداش نرم و غیررسمی، طرد شدن بواسطه بی‌اخلاقی، بالا رفتن هزینه تخلفات، اصلاح و سالم شدن محل کار، کنترلگری بر روی افراد و جلوگیری از بدرفتاری با یک فرد از مصادیق تقویت اخلاقمداری در فضای غیررسمی میان اعضای هیئت‌علمی است. همانطور که یکی از مصاحبه‌شوندگان در این‌باره می‌گوید "وقتی فرد در این جمع‌ها تحسین می‌شود آدم‌های بعدی هم می‌دانند که باید این رفتار را داشته باشند. اگر هم بی‌اخلاقی کنند طرد می‌شوند. وقتی کامیونیتی باشد آدم‌ها جرات بدرفتاری ندارند. ما بخش زیادی از عمرمان را در محل کار هستیم. پس اینکه اینجا اصلاح شود، آدم‌ها به همدیگر تهمت نزنند، بدرفتاری نکنند و آدم‌های خوشحالی باشند مهمه و براش تلاش می‌کنیم".

افزایش انرژی عاطفی، افراد را مثل باتری الکتریکی پر می‌کند و به آنها شور و اشتیاقی برای حرکت به طرف هدف نمادین می‌دهد. انرژی عاطفی حتی وقتی فرد در غیاب گروه قرار دارد کارساز است. انرژی عاطفی نیرویی است که اعضای

برای اعتبارسنجی داده‌ها از دو روش بازبینی یافته‌ها از سوی مشارکت‌کنندگان و همچنین مرور خبرگان غیرشرکت‌کننده در پژوهش استفاده شد. بدین منظور، خروجی و دسته‌بندی مضامین و واحدهای معنایی برای تعدادی از مشارکت‌کنندگان و خبرگان غیرمشارکت‌کننده ارسال و دیدگاه‌ها و نقطه نظرات ایشان دریافت و اصلاحات لازم اعمال گردید.

۴- یافته‌های پژوهش

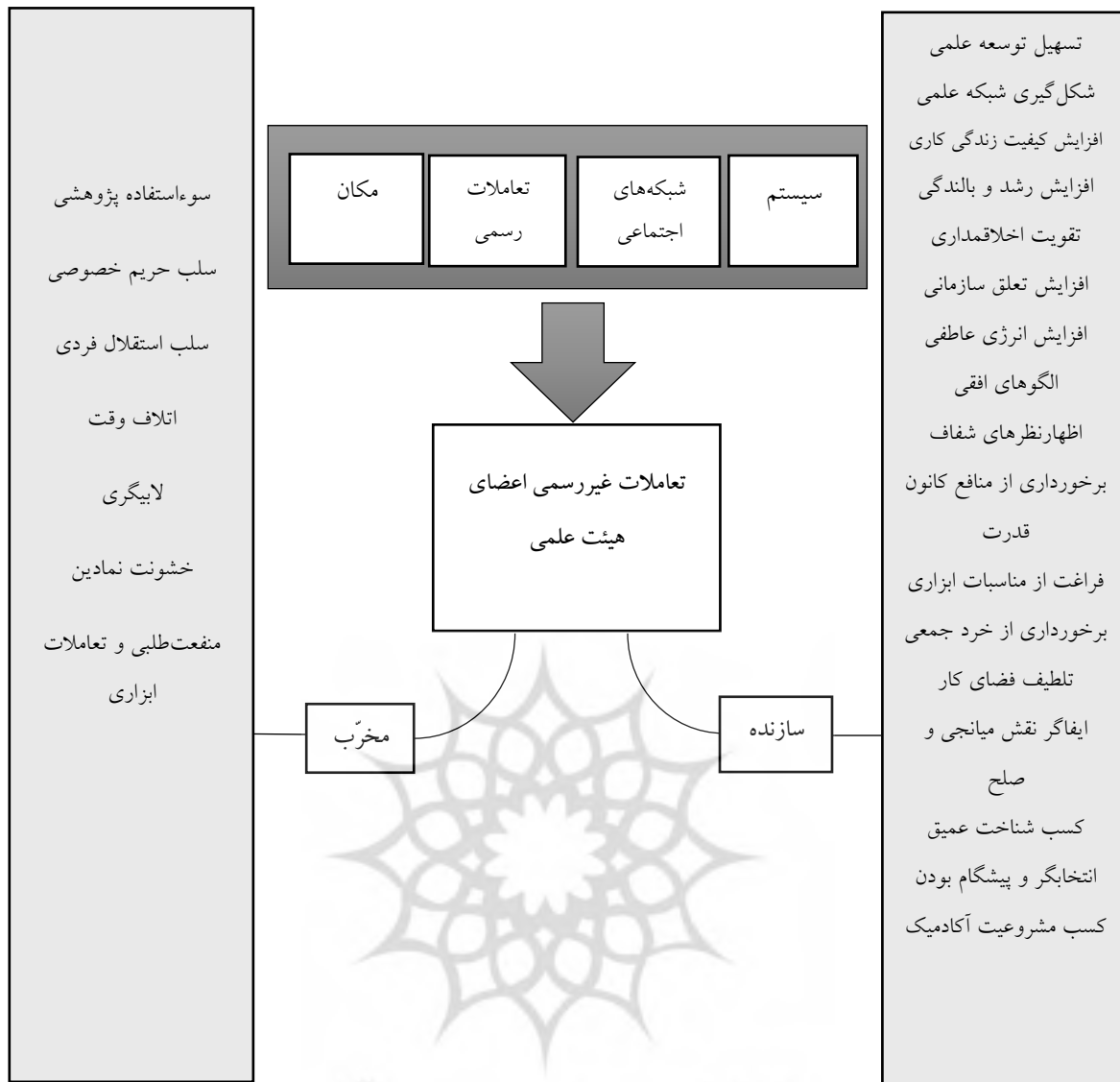
پس از افق‌سازی، استخراج و دسته‌بندی اظهارات مهم اعضای هیئت‌علمی به واحدهای معنایی سازنده و مخرب دست یافتیم که هرکدام از این واحدهای معنایی شامل تعدادی مضامین می‌شود. مضامین اشاره شده، از اظهارات مهم و گفته‌های مصاحبه‌شوندگان بدست آمده است. در ادامه و در توصیف مضامین به اظهارات مهم اعضای هیئت‌علمی اشاره می‌شود. ادراکات اعضای هیئت‌علمی از تجربه تعاملات غیررسمی و عوامل موثر بر این ادراکات در شکل ۳ قابل مشاهده است.

۴-۱ ادراک اعضای هیئت‌علمی از تعاملات غیررسمی

ادراک اعضای هیئت‌علمی پژوهشی از تعاملات غیررسمی و دوستانه در قالب گعده‌ها و دورهمی‌ها شامل واحدهای معنایی سازنده و مخرب می‌شود. به عبارت دیگر، عضو هیئت‌علمی درک ذهنی مثبت یا منفی، شامل مزایا، ضرورت‌های پایداری، منافع، معایب، محدودیت‌ها و آسیب‌های وجود تعاملات غیررسمی میان خود و سایر همکاران را در مفاهیمی بیان می‌کند.

الف) توصیف مضامین واحد معنایی سازنده

فراغت از مناسبات ابزاری، کمک بدون قید و شرط، کمک بدون انتظار و منفعت در تعاملات غیررسمی و دوستانه میان اعضای هیئت‌علمی باعث می‌شود تا مناسباتی را فارغ از



شکل ۳) ادراکات اعضای هیئت علمی از تجربه تعاملات غیررسمی و عوامل موثر بر این ادراکات

هیئت علمی از مشارکت موفقیت آمیز در یک مراسم تعاملی بدست می آورند [۳۷]. تعاملات دوستانه در فضای غیررسمی، منبع مهمی از دریافت انرژی عاطفی برای اعضای هیئت علمی هستند. مشارکت کنندگان پژوهش به ایجاد صمیمیت، ابراز همدردی در زمان دشواری‌ها، جبران خمودگی و خستگی‌های روزمره، مراقبه روحی و عاطفی و محرکی برای کارهای پژوهشی اشاره داشتند. کسب وجهه علمی نزد همکاران و کسب هویت و مشروعیت آکادمیک، توسط اهل علم اهمیت داده می‌شود. یکی از مشارکت کنندگان در این باره معتقد است " فرد وقتی در شبکه تعامل می‌کند به رسمیت شناخته می‌شود. من تعامل

می‌کنم پس هستم". تایید اعتبار فعالیت‌های علمی و برودادهای پژوهشی، صرفاً از مجرای رسمی نظیر اعطای جایزه صورت نمی‌گیرد بلکه ارج گذاری، اشتراک گذاری و تایید اعتبار فعالیت پژوهشی، توسط سایر همکاران نیز سهم به‌سزایی در کسب وجهه علمی در میان کنشگران سازمان‌های علمی ایفا می‌کند و سبب کسب سرمایه نمادین برای آنها می‌شود. همانطور که اعضای هیئت علمی به یادگیری مشارکتی^۱، گفت‌وگویی^۲ و بازتابی^۳ اشاره و اظهار رضایت داشتند. آن دسته از اعضای هیئت علمی که کسب وجهه علمی

¹ Participatory Learning

² Dialogical

³ Reflexive Learning

اظهارنظرهای شفاف، بی‌پرده و بدون دغدغه، احساس همدلی و دوستی، اعتماد، خود واقعی بودن، گفتگوهای آزاد و خارج از تعارفات که در جلسات و فضاهای رسمی امکان‌پذیر نیست در مناسبات غیررسمی و دوستانه میان اعضای هیئت‌علمی برقرار می‌شود. همانطور که عضو هیئت‌علمی پژوهشی بیان می‌کند "خیلی از صحبت‌ها و مواردی که در جلسات رسمی امکان طرحش وجود ندارد در جلسات غیررسمی شفاف و بی‌پرده مطرح می‌شود و ارتباط نزدیکتری بین اعضا برقرار می‌کند". مشارکت‌کننده دیگری معتقد است "خود غیرحرفه‌ای من آنجا نشان داده می‌شود. خودی که مثلا در خانه و دوستان نزدیک من می‌شناسند. آدمی که شوخی می‌کند و راحت حرف می‌زند بدون اینکه به عواقب حرفش فکر کند".

برخورداری از منافع کانون قدرت و تسریع نیازهای اداری از ادراکات سازنده دیگری است که در تجربه زیسته اعضای هیئت‌علمی وجود دارد. همانطور که یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند "زمانی که به هر دلیل، من از تعاملات غیررسمی دوری می‌کنم از مناسبات سیستم و کانون قدرت دور می‌شوم بنابراین یک سری منافع را از دست می‌دهم". و یا عضو هیئت‌علمی دیگری می‌گوید "با مناسبات دوستانه، خیلی از کارها در یک سرعتی اتفاق می‌افتد که در سیستم رسمی این سرعت وجود ندارد و بوروکراسی اداری مانع این سرعت می‌شود". این اظهارات، منافاتی با وجود تقابل میان سیستم و زیست‌جهان ندارد، بلکه علی‌رغم وجود شکاف میان این دو، زیست‌جهان از ابزارهای خود از جمله تعامل، تفاهم و پشتوانه خرد جمعی جهت بهره‌مندی از مزایای کانون قدرت و پیشبرد اهداف خود، استفاده می‌کند.

اعضای هیئت‌علمی از کارکردهای این جمع‌های دوستانه میان همکاران را رفع سوءتفاهمات، رفع تنش‌ها، واسطه‌گری افراد باسابقه و باتجربه در زمان بروز اختلافات می‌دانند. حتی در مواقعی، نظام مدیریتی نیز جهت حل برخی از مشکلات از ظرفیت جمع‌های دوستانه اعضای هیئت‌علمی استفاده می‌کند. به عبارتی، تعاملات غیررسمی و گعده‌های اعضای هیئت‌علمی می‌تواند نقش واسط را میان سیستم و زیست‌جهان و همینطور کنشگران درون زیست‌جهان ایفا کند.

در میان سایر همکاران برایشان حائز اهمیت است از فرصت تعاملات غیررسمی نیز برای معرفی خود و تثبیت جایگاه علمی خود استفاده می‌کنند و این امر را صرفا محدود به معرفی در آثار و انتشارات علمی و پژوهشی، نمی‌دانند. این درگیری با علم، ضمنی است تا وظیفه‌ای. به عبارتی، فضای غیررسمی فرصتی را برای تشکیل شبکه‌های علمی، تسهیل توسعه علمی، همکاری‌های بین‌رشته‌ای و خلق زمینه‌های پژوهشی جدید برای آنان فراهم می‌کند.

با اشاره اعضای هیئت‌علمی به روابط هم‌سطح و فارغ از مناسبات قدرت، الگوهای افقی و تعاملی و تأکید بر تعاملات خودگردان^۱ و خودفرمان^۲، به نظر می‌رسد مناسبات و تعاملات غیررسمی اعضای هیئت‌علمی، قشربندی اجتماعی در علم را کنار گذاشته و این امر را تا حد زیادی به فضای رسمی واگذار کرده است. به عبارت دیگر، اعضای هیئت‌علمی در تعاملات غیررسمی و گعده‌های دوستانه فارغ از مرتبه علمی، سن، سواد و سایر موارد دیگری از این دست به تعامل با یکدیگر می‌پردازند. هرچند قشربندی اجتماعی در اینجا به صورت شفاف دیده نمی‌شود اما به صورت پنهان در برخی از تعاملات وجود دارد.

اعضای هیئت‌علمی، نواقص و کمبودهایی را در فضای شغلی خود احساس می‌کنند، از فضای فیزیکی و اتاق کار که محدودیت فردی و تعاملی را برای افراد به همراه دارد و گاهی شأن علمی و تحصیلی عضو هیئت‌علمی را خدشه‌دار می‌کند تا منابع مالی محدود و نیاز به فعالیت‌های چندگانه و همزمان جهت تامین نیازهای مالی. اما نکته جالب توجه اینکه بسیاری از مشارکت‌کنندگان، تعاملات غیررسمی و دوستانه با سایر همکاران را جبرانی بر محدودیت‌ها و نواقص شغلی و کاری خود برمی‌شمرند و معتقد هستند که دوره‌می‌ها با سایر همکاران و گپ‌وگفت‌های خارج از فضای رسمی و نظام‌مند، انگیزه‌های درونی و کاری و تعلق به سازمان را در آنها افزایش داده است. همانطور که یکی از مشارکت‌کنندگان از تعبیر جالب توجهی استفاده می‌کند "بواسطه همکاران خوب، آدم انگار چسبندگی به محل کارش پیدا می‌کند".

^۱ Autonomous Relationships

^۲ Self-Directed

معکوس دارد. همانطور که بوردیو^۱ بر آن است که در گفتگوها، نوعی از خشونت نمادین رخ می‌دهد و گوینده بنا بر سرمایه کل خود یعنی مجموعه‌ای از سرمایه‌های اجتماعی (روابط و مناسبات)، اقتصادی (ثروت)، نمادین (کارزمایی، حیثیت اجتماعی و میزان نفوذ بر دیگران) و سرمایه فرهنگی (تحصیلات دانش و مهارت‌های فرهنگی) نوعی از سلطه غیرمستقیم را اعمال می‌کند. این سلطه چنان ناخودآگاه است که فردی که اعمال سلطه می‌کند و فردی که زیر سلطه قرار دارد، به صورت خودکار در حرکات روزمره، انتخاب‌ها و در تمام ابعاد زندگی‌شان آن را همواره تولید و بازتولید می‌کنند.

تعاملات و رفتارهای ابزاری از مواردی است که برخی از اعضای هیئت‌علمی به آن اشاره داشتند، هرچند به عنوان یکی از مفاهیم پرگفته در تحقیق حاضر مطرح نبود اما تحلیل آن ضروری به نظر می‌رسد. برقراری تعاملات، براساس وجود منافع، نگاه محاسبه‌گرایانه و تعاملاتی که به معنای "نان و نمک یکدیگر را خوردن" تعبیر می‌شود و در مواقع نیاز به کار می‌آید و "نان به یکدیگر قرض دادن" را به همراه خواهد داشت از آسیب‌های این فضا برشمرده شده است. تعاملاتی که در ادامه سبب سلب استقلال فردی و تیم‌بندی‌ها، پارکشی‌ها و لایبگری‌هایی می‌شود که برای نهاد علم آسیب‌زننده است. همانگونه که یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد است "رفتارها و خنده‌های ابزاری راهی است که من بتوانم با تو بیشتر دوست باشم یک جایی باید هوای همدیگر را داشته باشیم. فلان پروژه را هل بده سمت من. یک ابزاری برای نزدیک شدن آدم‌ها با همدیگر است. این خنده، خنده معطوف به ابزار است".

دوستی‌ها و فضای نزدیک کاری میان افراد گاهی موجب سوءاستفاده‌هایی می‌شود که آزاردهنده است. دزدیده شدن ایده‌ها، تضاد منافع، بی‌اخلاقی علمی، تجربیات مشترک ناموفق و تقاضاهای غیرمنطقی علمی و پژوهشی در تعداد کمی از تعاملات غیررسمی و دوستانه میان اعضای هیئت‌علمی تجربه شده است. همانطور که یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد است "ایده‌ای را مطرح کردم و بعد از آن پژوهشی با استفاده از همان ایده شکل گرفت بدون

اعضای هیئت‌علمی در مقایسه با تعاملات رسمی، به مزیت پیشگام و انتخاب‌گر بودن در برقراری تعامل با افراد دلخواه اشاره می‌کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان از تجربه زیسته خود اینگونه می‌گوید "فضای رسمی را شما انتخاب نمی‌کنید بلکه به عنوان وظیفه کاری، حضور پیدا می‌کنید. جایی که خودت انتخاب می‌کنی با یک فرد یا چندین نفر برنامه غیررسمی داشته باشی این تعاملات پیوند عمیقی را ایجاد می‌کند".

ب) توصیف مضامین واحد معنایی مخرب

ورود به حوزه خصوصی افراد، سوءاستفاده از اطلاعات شخصی، نگرانی از عدم رازداری، حاشیه‌سازی و نقل مجلس شدن از ادراکات منفی است که برخی از اعضای هیئت‌علمی از دوره‌های و تعاملات غیررسمی تجربه کرده‌اند. یکی از مصاحبه‌شوندگان شکاف میان سبک زندگی در فضای رسمی و غیررسمی را دلیلی بر سلب حریم خصوصی و نگرانی از افشا شدن در تعاملات غیررسمی و دوستانه با سایر همکاران می‌داند "گاهی در جمع همکاران، حد و مرزهای شخصی رعایت نمی‌شود. گفت و شنودهایی می‌شود که من اصلاً دوست ندارم با یک همکار در فضای کار پیدا کنم. می‌بینم در این گعه‌ها اطلاعات شخصی همکاران جا به جا می‌شود. می‌گویند فلان همکار از همسرش جدا شده یا چند خانه دارد. بنابراین من چارچوب را نگه می‌دارم تا اطلاعات کمتری از من بدست بیاورند".

رقابت‌های آزاردهنده، نادیده‌گرفتن تعمدی، خشونت نمادین که غیرفیزیکی، پنهان و آرام اتفاق می‌افتد، ایجاد سلطه در گفت‌وگو و بی‌توجهی به فعالیت‌های موفقیت‌آمیز همکاران از مصادیقی است که گاهی در فضای تعاملی میان اعضای هیئت‌علمی تجربه می‌شود. هرچند اعضای هیئت‌علمی به هم‌سطحی افراد و برخورداری از الگوهای افقی و تعاملی اشاره می‌کنند و معتقد هستند که در این اکپ‌ها و گعه‌های همکاران، وجود رهبر و لیدر معنایی ندارد اما اذعان دارند که در برخی از تعاملات، شوخ و بذله‌گو بودن و یا کاریزما بودن شخصیت افراد ممکن است روابط همسطح را دچار تغییر کند و افراد در سطوح متفاوتی از تاثیرگذاری بر جمع قرار گیرند. هرچند نزدیک بودن فرد به مدیریت سازمان، اثر کاهنده و

^۱ Bourdieu

اینکه در آن مشارکت داده شوم".

سالن جمع می‌شدیم".

در ارتباط میان سیستم و زیست‌جهان، اگر از تعبیر هابرماس استفاده کنیم، سیستم‌های رسمی ما تمایل زیادی به مستعمره کردن^۱ و کنترل‌گری بر زیست‌جهان را دارند. اعضای هیئت‌علمی پژوهشی معتقدند که با تقویت و توسعه تعاملات غیررسمی و دورهمی‌های دوستانه با سایر همکاران، سیستم را پاسخگو و تصمیم‌گیری‌های آن را در اتاق شیشه‌ای قرار می‌دهند. نظارت بر فعالیت‌ها و تصمیمات سیستم، بالابردن هزینه اجحاف در خصوص سایر همکاران و ارائه انتقادهای سازنده از این دست است.

ب) مکان و تعاملات غیررسمی

نظریه پردازان معتقد هستند که وقتی زمینه تعامل اجتماعی را تحلیل می‌کنیم، توجه به سیر مکانی هم لازم است. بدین معنا که طراحی مکان‌ها یکی از عوامل موثر در ترغیب افراد برای برقراری تعامل اجتماعی با یکدیگر است. مکان‌های متفاوتی از جمله حیاط و فضای سبز، اتاق همکاران، اتاق جلسات، کتابخانه، نمازخانه، سالن ناهارخوری، راهروها برای گفتگوهای مختصر در حد رد و بدل کردن اطلاعات روزمره، سفرها و تفریحات مشترک، مکان‌هایی هستند که اعضای هیئت‌علمی برای شکل دادن به مناسبات و تعاملات دوستانه میان خود استفاده می‌کنند؛ مکان‌هایی برای تمدد اعصاب و توسعه گستره تعاملات در موسسات پژوهشی. اعضای هیئت‌علمی با تعاملات خود قواعدی را برای دگر مکان‌ها^۲ تعریف می‌کنند که بیانگر زیست‌استادی است.

در این رابطه می‌بایست به مفهوم فضا که درون آن الگوی ارتباطات اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد نیز پرداخته شود. به عبارتی در درون موسسات پژوهشی مورد بررسی، مکان‌های متفاوتی وجود دارد که بدون در نظر گرفتن الگوهای ارتباطات که در درون آنها در حال شکل‌گیری است، جایی تهی از معنا می‌باشد. اما آنچه سبب فضایی شدن مکان‌ها می‌شود نحوه و چگونگی شکل‌گیری الگوهای ارتباطی درون آنهاست. همانگونه که اعضای هیئت‌علمی با ایجاد الگوهای ارتباطی مشخص که بیان‌کننده رفتار و هنجار

اتلاف وقت و انرژی، غیرمفید بودن و گفتگوهای عامیانه از جمله ادراکاتی بوده که توسط تعدادی از اعضای هیئت‌علمی بیان شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند "با خودم می‌گویم چرا وقتم را اینجا تلف کنم. حرف‌هایی که همه جا است، در رسانه‌ها هم وجود دارد، اعضای هیئت‌علمی هم تکرار می‌کنند. گفتگوهای اصیل و متمایز و متفاوتی نمی‌شنوی". و یا مشارکت‌کننده دیگری معتقد است "خیلی از این گپ‌وگفت‌ها برای وقت‌کشی است. طرف از صبح که میاد در اتاق همکاران است. انگار حوصله ندارد به کار علمی خود بپردازد".

۴-۲ عوامل موثر بر ادراکات اعضای هیئت‌علمی از تعاملات غیررسمی

اعضای هیئت‌علمی در تجربه زیسته خود چهار عامل را موثر می‌دانند، سیستم، مکان تعاملات غیررسمی، شبکه‌های اجتماعی و تعاملات رسمی. همانطور که در ادامه تحلیل می‌شود در بسیاری از موارد این تاثیر و تاثرات به صورت متقابل اتفاق می‌افتد.

الف) سیستم و تعاملات غیررسمی

سیستم به معنای سطح مدیریتی سازمان، در مقابل گروه‌های اعضای هیئت‌علمی، گاهی موضع نفی، کنترل‌گری و نگرانی از توطئه و تزلزل جایگاه خود را دارد و در مواقعی نیز ضرورت وجود تعاملات و مناسبات دوستانه و بازی برد-برد را درک کرده و تسهیل‌کننده و تقویت‌کننده این دسته از تعاملات بوده است. وجود شکاف و بی‌اعتمادی میان سیستم و زیست‌جهان از اظهارات مهمی است که اشاره شده اما آنچه که به میزان زیادی از طرف مشارکت‌کنندگان تاکید شده، ضعف فرهنگ دانشگاهی و وابستگی به شخص، در زمان‌های مدیریتی متفاوت بر موسسات بوده است. در این رابطه یکی از مصاحبه‌شوندگان با سابقه کاری بالا بیان می‌کند "ما دورانی را دیدیم که در سالن را قفل کرده بودند و اجازه ندادند تا اعضای هیئت‌علمی در قالب یک دورهمی غیررسمی گفتگو کنند. در برخی دوره‌ها فضا خیلی تنگ بود. در دوران دیگری برای تشویق اعضای هیئت‌علمی به توسعه تعاملات، در روزهای خاصی گفته می‌شد ناهار کاری داریم و همه در یک

¹ Colonisation

² Other place

صدای من هموزن صدای استاد با سابقه‌ای است که از نظر تجربه و سطح علمی خیلی بالاتر از من هستند". همچنین افراد احساس آسایش و راحتی دارند. مکان سوم به توسعه شبکه‌اجتماعی اعضای هیئت‌علمی کمک می‌کند و یکی از ویژگی‌های آن سرزندگی است.

اعضای هیئت‌علمی پژوهشی، به واسطه ماهیت کار خود نیازمند تمرکز بالایی هستند. اتاق‌های مشترک و یا فضاهای پارتیشن برای اعضای هیئت‌علمی در جهت برقراری تعاملات (رسمی و غیررسمی) محدودکننده است و سلب اختیار می‌کند. اما این محدودیت فضا شمشیر دولبه تعاملات محسوب می‌شود؛ در مواقعی تسهیل‌کننده تعاملات دوستانه اعضای هیئت‌علمی می‌باشد و در شرایطی می‌تواند محدودکننده مناسبات و به عنوان عاملی آزاردهنده تلقی شود. هرچند محدودیت فضا ممکن است گستره تعاملات را توسعه دهد اما لزوماً عمق‌دهنده تعاملات دوستانه نیست. همانطور که یکی از مشارکت‌کنندگان معتقد است "کوچکی فضای فیزیکی سبب می‌شود در طول روز بارها در معرض یکدیگر قرار بگیریم و تعاملات و گفتگوهای کوتاه و طولانی شکل بگیرد". لزوم تمرکز افراد در گروه‌های پژوهشی، نزدیکی فیزیکی افراد با تخصص‌های یکسان و شکل‌گیری دپارتمان متمرکز از مصادیق نقش تسهیل‌کننده فضا در تقویت تعاملات غیررسمی اعضای هیئت‌علمی بوده است. مورد دیگر، نقش فضاهای فیزیکی در تمدد اعصاب و ایجاد آرامش برای افراد و برقراری تعامل با سایر همکاران است که توسط تعداد زیادی از اعضای هیئت‌علمی اشاره شده است "وجود فضاهایی مثل فضای سبز، ناهارخوری، باشگاه ورزشی، استخر و... بسیار موثر است. موسسه‌ای که حیاط باصفا و سرسبزی دارد حتماً این فضا می‌تواند کمک کند تا همکاران در اوقات فراغت به تعاملات دوستانه بپردازند".

در شرایط محدودیت فضای فیزیکی، عضو هیئت‌علمی ناگزیر بسیاری از تعاملات دوستانه، علمی و غیرعلمی خود را محدود کرده و یا به فضای دیگری منتقل می‌کند. عدم تناسب میان فضاهای موجود و نوع کاربری و کم‌توجهی به جنبه‌ها و آثار اجتماعی اقدامات مهندسی و طراحی، از عواملی است که تضعیف‌کننده و لطمه‌زننده به تعاملات و باعث کاهش انگیزه

معینی است به تعامل با افرادی که تابع این هنجارها هستند می‌پردازند. یکی از مشارکت‌کنندگان به درستی اشاره می‌کند که "هر محیط دانشگاهی یا علمی که صاحب برند و نام است، اگر انسان‌های فعال آن را در نظر بگیریم هیچ چیزی به جز در و دیوار نیست". مقصود از انسان‌های فعال از دید این عضو هیئت‌علمی، افرادی هستند که به تعامل با دیگر افراد اطراف خود بها می‌دهند و اوقاتی را صرف این موضوع می‌کنند. بنابراین آنچه مکان‌ها را فضایی می‌کند کنشگران آن مکان و مناسبات میان آنهاست. در این مکان‌ها، به دلیل وجود قواعد نانوشته و ایجاد اخلاقیات و منش خاص^۱، چنانچه افرادی در قالب برقراری تعاملات به این هنجارهای غیررسمی پایبند نباشند در طی فرایند نظارت اجتماعی غیررسمی، از گروه طرد می‌شوند. همانطور که بورديو معتقد است فضا، حاوی قواعد، منش‌ها و میدان‌هایی است؛ تجربه‌هایی در آن روی می‌دهد و منابع و مبادلات معنادار در آن تولید و توزیع می‌شود و بر سرش همکاری و در همان حال رقابت می‌شود. چنان که لوفور^۲، فضای سوم را غیررسمی، بسیط و مشحون از تجربه زیسته ما می‌داند که از زندگی روزمره نشات می‌گیرد، مملو از خودابرازی، خلاقیت، گونه‌گونی و تنوع است، بیشتر خصیصه‌ای اجتماعی دارد و فضایی برآمده از روابط غیررسمی گفتگویی و تعاملی است [۳۸].

به نظر می‌رسد تمام ویژگی‌های مکان سوم^۳ که اولین بار توسط الدنبرگ^۴ مطرح شد [۳۹] را اعضای هیئت‌علمی در انتخاب مکان تعاملات و ارتباطات خود با همکارانشان دارند از جمله اینکه افراد بدون هیچ اجبار و فشار جمعی و با میل خود به این مکان‌ها رفت و آمد می‌کنند، هیچ یک نقش میزبان را ایفا نکرده و روابط هم‌سطحی را تجربه می‌کنند. همانطور که عضو هیئت‌علمی پژوهشی با ۳ سال سابقه کاری با اشاره به یکی از اساتید با سابقه معتقد است که در تعاملات غیررسمی میان اعضای هیئت‌علمی بالا و پایین مجلس نشستن معنایی ندارد "خاصیت این جمع‌ها این هست که

¹ Campus Ethnography

² H.Lefebvre

³ Third place

⁴ Oldenburg

د) تعاملات رسمی و غیررسمی

همانطور که پیشتر اشاره شد در میان تعاملات رسمی و غیررسمی اعضای هیئت‌علمی، مرز سیالی وجود دارد. بدین معنا که گاهی در درون تعاملات و فضاها رسمی، دوستی‌ها و تعاملات غیررسمی شکل می‌گیرد و بالعکس. اما آنچه که در این رابطه توسط بسیاری از مشارکت‌کنندگان مورد توجه قرار گرفته است، ترجیح و تقدّم روابط و تعاملات غیررسمی به مناسبات رسمی است که در سطوح مختلف دنیای علم، سیاست‌گذاری و فرهنگ نمود پیدا می‌کند. همانطور که یکی از اعضای هیئت‌علمی اشاره می‌کند "در طی سال‌های طولانی فعالیتیم اجازه ندادم زندگی علمی‌ام تقلیل پیدا کند به روابط رسمی و بیشتر از ۱۵ تا ۹۰ درصد زندگی من روابط غیررسمی بوده است".

تأثیرات متقابل میان تعاملات رسمی و غیررسمی اعضای هیئت‌علمی نتایج جالب توجهی را بدست می‌دهد. گاه اهمیت تعاملات غیررسمی و گعده‌های دوستانه میان اعضای هیئت‌علمی آنجا نشان داده می‌شود که می‌توانند بر تعاملات رسمی اثرگذار باشند. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند "در دوره‌های خودمان تعیین می‌کنیم که چینی‌ش شورا به چه صورت شود به نفع ما است و اینطور در یک فرایند رسمی اعمال نظر می‌کنیم". این عضو هیئت‌علمی در تجربه دیگری به حل تعارضات رسمی از طریق تعاملات غیررسمی اشاره می‌کند آنجا که اختلافی اتفاق می‌افتد و رییس موسسه برای حل بحران از فضای دوستانه و گعده اعضای هیئت‌علمی استفاده می‌کند. مشارکت‌کننده دیگر این تأثیرگذاری را زمانی بیشتر می‌داند که "یکی از اعضای این گعده دوستانه به عنوان معاون پژوهشی انتخاب و بخشی از سیستم شود. این زمان است که همه معادلات تغییر می‌کند". همواره تعاملات میان اعضای هیئت‌علمی اثرگذار بر مناسبات رسمی نیست و گاهی این تأثیرگذاری به صورت عکس اتفاق می‌افتد. تعاملات رسمی مقدمه شناخت و شکل‌گیری تعاملات غیررسمی و تقابل تعاملات غیررسمی با موقعیت رسمی فرد از این دست تأثیرگذاری‌ها می‌باشد. همانگونه که یک مشارکت‌کننده اشاره می‌کند که موقعیت اجرایی او بر تعاملات دوستانه با همکاران تأثیر منفی گذاشته است "من یک موقعیت رسمی در موسسه

کاری و ایجاد دلسردی می‌شود. برخی از اعضای هیئت‌علمی به دنبال جایگزین‌هایی هستند تا فضا را در جهت پایداری تعاملات، مدیریت کنند. به دلیل محدودیت فضا، گاهی از عبارت "آواره شدن" در جهت ایجاد جایگزین برای حفظ تعاملات غیررسمی با همکاران استفاده می‌کنند.

ج) شبکه‌های اجتماعی و تعاملات غیررسمی

توسعه‌بخش بودن شبکه‌های اجتماعی به دلایل و مصادیقی از جمله تعاملات صادقانه، مکمل شناخت در دنیای واقعی، فراتر از مرزهای جغرافیایی، تسهیل فعالیت‌های علمی مشترک، مدیریت زمان، دریافت احساس دیده شدن، ثبت سوابق گفتگو و امکان مبادله عکس و فیلم محقق می‌شود. تاکید بر دیده شدن و پذیرفته شدن توسط همکاران که مشارکت‌کنندگان به آن اشاره داشتند، مصداقی بر نظریه هاگستروم^۱ است که "مورد تقدیر قرار گرفتن در اجتماع علمی" را یکی از مهم‌ترین ارکان فرهنگ دانشگاهی می‌داند. هاگستروم به تحسین و تشویق شدن در فضای فیزیکی و چهره به چهره که منبعی برای رقابت میان اجتماع علمی است، اشاره دارد [۲]. هرچند این اتفاق در تعاملات مجازی میان اعضای هیئت‌علمی تسهیل و تقویت شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید "صداقت آدم‌ها را خیلی خوب می‌توانید بسنجید. شاید در فضای واقعی فرد دلش بخواهد من را ایگنور کند و نادیده بگیرد اما نتواند چون من در روابط قدرت هستم اما در فضای مجازی به راحتی می‌تواند این کار را انجام دهد. در لایک‌ها و دیس‌لایک‌ها. توجه نشان دادن به مطالب من و یا نه رد شدن از آن و بی‌توجهی. در واقع آزادی عمل و صداقت در تعاملات را در شبکه‌های اجتماعی می‌بینیم". مسیر موازی و دیالکتیکی با تعاملات رودررو، مکمل جهان واقعی و ایجاد شناخت بیشتر از افراد سبب می‌شود تا در خصوص ادامه دادن و عمق دادن به تعاملات غیررسمی در فضای واقعی تصمیم‌گیری شود. از طرف دیگر، عدم دریافت زبان بدن و پنهان کردن هویت از عوامل محدودکننده شبکه‌های اجتماعی در تعاملات غیررسمی بین فردی برشمرده شده است.

^۱ Hagstrom

مفهوم از این جهت است که بخش مهمی از زیست‌کنشگران نهاد علم را تشکیل می‌دهد. نادیده گرفتن بخش مهمی از این تجربه روزمره و زیست‌جهان، ایجاد شناختی ناقص از کنشگران نهاد علم است. گروه‌های شکل گرفته در میان اعضای هیئت‌علمی از دید بورديو، کسانی هستند که به دلیل برخورداري نسبي از "کل سرمایه" یکسان یا شبیه به هم و موقعیت‌های عادت‌واره‌ای شبیه به یکدیگر، و قابل جمع شدن با یکدیگر در چارچوب یک جماعت هستند.

مقایسه پژوهش‌ها نشان از زیست متفاوت اعضای هیئت‌علمی با دانشجویان در تاثیر مکان تعاملات غیررسمی دارد. همانطور که در پژوهش خوشنام [۴۰] نشان داده می‌شود دانشجویان در انتخاب مکان‌های تعامل، به مفهوم فرار از سیستم رسمی و نظارت دانشگاه اشاره می‌کنند اما آنچه در این پژوهش نشان داده می‌شود تمایل تعداد بیشتری از اعضای هیئت‌علمی به برقراری تعاملات در قالب گعده‌های دوستانه با سایر همکاران خود، در درون موسسه است. کمبود وقت، فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی متعدد و همچنین محدودیت‌های تعاملات با همکاران غیرهم‌جنس در بیرون از محل کار، عموماً افراد را به برگزاری دوره‌های و گپ‌وگفت‌ها در درون موسسه مجاب می‌کند و تلاشی جهت انتخاب فضاهایی خارج از نظارت سیستم دیده نمی‌شود.

افزایش کیفیت زندگی کاری و رشد و بالندگی از ادراکات سازنده تجربه شده توسط اعضای هیئت‌علمی در تعاملات غیررسمی و دوستانه با سایر همکاران خود بوده است. همانطور که در پژوهش‌های پیشین از جمله نورشاهی نیز یکی از عوامل موثر بر کیفیت زندگی کاری اعضای هیئت‌علمی را کنش ارتباطی، تعاملات همکارانه و فرصت‌های رشد برای ایشان می‌داند [۳۲].

نتایج پژوهش نشان داد که در مناسبات غیررسمی میان مشارکت‌کنندگان، فرایند نظارت اجتماعی غیررسمی جاری است که افراد را ملزم به رعایت هنجارها و منش‌های تعریف شده می‌کند. این فرایند که به صورت کاملاً غیررسمی اتفاق می‌افتد در نهایت سبب تقویت اخلاق‌مداری در موسسات پژوهشی مورد مطالعه می‌شود. در این رابطه هاگستروم گفتگوی منتقدانه درباره رفتار فرد غایب را یک شیوه موثر

دارم و بنابراین اطلاعات زیادی از مجموعه دارم، این موضوع سایه انداخته بر تعاملات غیررسمی و دوستی‌های من و باعث شده است تا من خیلی جاها اصلاً صحبت نکنم". از طرف دیگر تعاملات غیررسمی و دوره‌های اعضای هیئت‌علمی به افزایش شناخت از یکدیگر و در نتیجه معرفی به سیستم و کسب موقعیت‌های رسمی افراد کمک می‌کند.

۳-۴ توصیف زمینه‌ای از تعاملات غیررسمی اعضای هیئت‌علمی

ادراکات اعضای هیئت‌علمی از تعاملات غیررسمی به عنوان بخش مهمی از زیست‌جهان خود و عوامل موثر بر توسعه آن، مسئله اصلی پژوهش حاضر بوده است که با استفاده از روش پدیدارشناسی سعی در دستیابی به این هدف شده است. استخراج اظهارات مهم اعضای هیئت‌علمی، دو واحد معنایی سازنده و مخرب با تعدادی مضامین را بدست داده است. ادراکات سازنده در تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان این پژوهش به طور محسوس پرگفته‌تر بوده است. تسهیل توسعه علمی، شکل‌گیری شبکه علمی، افزایش کیفیت زندگی کاری، رشد و بالندگی، تقویت اخلاق‌مداری، افزایش تعلق سازمانی، افزایش انرژی عاطفی، الگوهای افقی، اظهارنظرهای شفاف، برخورداري از منافع کانون قدرت، فراغت از مناسبات ابزاری، برخورداري از خرد جمعی، تلطیف فضای کار، ایفاگر نقش میانجی و صلح، کسب شناخت عمیق، انتخابگر و پیشگام بودن و کسب هویت و مشروعیت آکادمیک از جمله این مضامین است. سوءاستفاده پژوهشی، سلب حریم خصوصی، سلب استقلال فردی، اتلاف وقت، لایبگری، خشونت نمادین، منفعت‌طلبی و تعاملات ابزاری از ادراکات مخرب و تجربه زیسته منفی اعضای هیئت‌علمی در تعاملات غیررسمی با سایر همکاران خود بوده است. در این توصیف می‌توان به عوامل موثر بر توسعه این تعاملات نیز اشاره داشت که از دید اعضای هیئت‌علمی و مشارکت‌کنندگان این پژوهش، سیستم، مکان، شبکه‌های اجتماعی و تعاملات رسمی بوده است. این تاثیر و تاثرات به صورت متقابل و دوسویه تجربه شده است.

۵- بحث

اهمیت پرداختن به تعاملات غیررسمی و کشف ابعاد این

تقویت اخلاق‌مداری، برخورداری از خرد جمعی و کسب مشروعیت آکادمیک از کارکردهای موسسات برای عاملان و کنشگران خود است که در فضای غیررسمی و در قالب اقدامات نرم و نهفته^۱ محقق می‌شود. اهمیت این پیامدها و نتایج را نمی‌بایست کم‌تر از کارکردهای سخت دانست. همانطور که هاگستروم به عنوان یکی از نظریه‌پردازانی که آرای او در جامعه‌شناسی علم از اهمیت بالایی برخوردار است می‌گوید انزوای اجتماعی دانشمند از همکارانش، بهره‌وری او را کاهش می‌دهد. همچنین صورت‌های ابتدایی شناسایی، با گسترش تاییدها و احترام‌های بین‌شخصی، اغلب منبع مستقیمی برای خشنودی و رضایت هستند.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که تعاملات غیررسمی اعضای هیئت‌علمی در قالب اکیپ‌ها و گعده‌های دوستانه همان مفهوم آشنای اجتماعات علمی^۲ نیست. اجتماعات علمی دربرگیرنده تعاملات رسمی و غیررسمی میان دانشمندان است. دانش، محور اصلی این جمع را تشکیل می‌دهد و از کارکردهای اصلی اجتماعات علمی تحقق دانش جمعی^۳ است. پس اجتماعات علمی، اعم از تعاملات غیررسمی میان اعضای هیئت‌علمی می‌باشد که به عنوان بخشی از زیست‌جهان آنها، در این پژوهش مورد تاکید قرار گرفته است.

در جمع‌بندی می‌توان اینگونه تحلیل کرد که زیست‌جهان اعضای هیئت‌علمی به عنوان تاثیرگذارترین کنشگران نهاد علم و توصیف عمیق از ادراک ایشان نسبت به تعاملات غیررسمی و دوستانه با همکارانشان موضوع حائز اهمیتی است که به آن پرداخته شد اما در کنار ادراکات سازنده و ضرورت پایداری و توسعه این تعاملات، به معایب و آسیب‌های آن نیز اشاره داشتند. حال راهکار توسعه تعاملات دوستانه و گپ‌وگفت‌های فارغ از فضاها رسمی در میان اعضای هیئت علمی چیست؟ عوامل تسهیل‌کننده و توسعه‌دهنده تعاملات غیررسمی را می‌توان توسعه فرهنگ رسمی، فرهنگ دانشگاهی، فرهنگ نهادهای آموزشی و پژوهشی، بلوغ فرهنگی و بلوغ اخلاقی افراد جامعه و احساس امنیت افراد در

کنترل اجتماعی و بیان هنجار، بدون نصیحت یا انتقاد از افراد حاضر می‌داند [۴]. اعضای هیئت‌علمی تمرکز دپارتمان و فضای فیزیکی نزدیک را یکی از عوامل موثر بر توسعه گستره تعاملات با سایر همکاران خود ذکر می‌کنند همانطور که گودین معتقد است تعامل غیررسمی به طور معمول به دلیل نزدیکی مردم در یک فضای فیزیکی رخ می‌دهد [۵].

انتخابگر و پیشگام بودن، داشتن حق انتخاب در تعامل با افراد دلخواه، توسعه شبکه‌های علمی و پژوهشی با دوستان و همکاران از مضامین بیان شده توسط اعضای هیئت‌علمی پژوهشی بوده است که به عنوان ادراکات سازنده از تعاملات غیررسمی خود ذکر می‌کنند. این مضامین در پژوهش قانع‌یاد نیز اشاره شده است که مسیرهای غیررسمی ارتباطات اغلب متضمن مخیر بودن زیادی است بدین معنی که افراد می‌توانند پیشنهادهایی ارائه دهند بدون اینکه خودشان را متعهد سازند؛ یا کار را مورد انتقاد قرار دهند بدون اینکه در رابطه با اعتبار آن به طور نهایی تصمیم بگیرند [۴].

۶- نتیجه‌گیری

جایگاه و ضرورت توجه به موضوع پرداخته شده در این مقاله تا حدی است که می‌توان توسعه مناسبات و تعاملات غیررسمی در میان اعضای هیئت‌علمی، کاهش آسیب‌ها و افزایش مزایای آن را یکی از عوامل تسهیل‌کننده توسعه علمی کشور برشمرد. همانگونه که فردگرایی، فقدان و ضعف خرد جمعی، ضعف فرهنگ مشارکت، گفت‌وگو و مباحثه و مواردی از این دست را می‌توان یکی از موانع توسعه علمی کشور نام برد. همواره در بیان کارکردهای دانشگاه‌ها و موسسات به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی آنها، تعاملات و همکاری‌های علمی بین‌المللی و مواردی از این دست اشاره می‌شود. اما توجه به یک موضوع بسیار حائز اهمیت است که آیا برای دانشگاه‌ها و موسسات، کارکردهای دیگری در کنار فعالیت‌های رسمی تعریف شده نمی‌توان متصور شد؟ به نظر می‌رسد که اعضای هیئت‌علمی دیدگاه دیگری دارند. توسعه فردی، تحقق یادگیری ضمنی و مشارکتی، ایجاد حس سرزندگی و انگیزش برای انجام پژوهش، کمک به جامعه‌پذیری هیئت‌علمی جدید، کسب فهم میان‌رشته‌ای،

¹ Soft and Hidden Curriculum

² Scientific Community

³ Communal Knowledge

سپاسگزاری

از پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی برای حمایت از انجام این مطالعه که به عنوان یک طرح پژوهشی با عنوان «تحلیل پدیدارشناسی زیست‌جهان اعضای هیئت‌علمی در نهاد علم» در سال ۱۴۰۲ انجام شده است؛ تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

نویسنده تعهد می‌کند که هیچ تعارض منافی در این مقاله وجود نداشته‌است.

References

- [1] Fartash, K., & Sadabadai, A. A. (2019). **Institutions and their Influence on Science and Technology Development.** *Journal of Science & Technology Policy*, 11(2), 239-253. {In Persian}
- [2] Farastkhah, M. (2016). **Emerging Developments in Culture and Class Space of University and its Impact on Teaching; Reflection on Five Generations of Students and Teachers.** *Research in Teaching*, 4(2), 1-29. {In Persian}
- [3] Abercrombie, N. (1991). **Sociological Culture.** Tehran: *Chapakhsh*. {In Persian}
- [4] Qanei Rad, M. (2015). **Interactions and Communication in the Scientific Community: A Case Study of the Field of Social Sciences.** Tehran: *Research Institute of Cultural and Social Studies*. {In Persian}
- [5] Goodwin, K., Kennedy, G., & Vetere, F. (2010). **Getting Together Out-of-class: Using Technologies for Informal Interaction and Learning.** *Curriculum, Technology & Transformation for an Unknown Future*, 387-392.
- [6] Zavaraghi, R. (2010). **Invisible Universities: A Literature Review.** *Journal of Information Processing and Management*, 25(4), 757-783. {In Persian}
- [7] Flinterud, S. I., Moi, A. L., Gjengedal, E., & Ellingsen, S. (2023). **Striving for a Safe Ground—A Lifeworld Approach of Family Members' Experiences of the Critical Illness Trajectory.** *Journal of Clinical Nursing*, 32(19-20), 7442-7453.
- [8] Høgmo, B. K., Bondas, T., & Alstveit, M. (2023). **Parents' Experiences with Public Health Nursing During the Postnatal Period: A Reflective Lifeworld Research Study.** *Scandinavian Journal of Caring Sciences*, 37(2), 373-383.
- [9] Rosenburg, M., Fagerström, C., Tuveesson, H., & Lindqvist, G. (2022). **Daily Life after Healing of a Venous Leg Ulcer: A Lifeworld Phenomenological Study.** *International Journal of Qualitative Studies on Health and Well-being*, 17(1), 2054080.

تعامل با سایرین، کاهش شکاف سیستم و زیست‌جهان و فراهم آوردن فضاها برای تسهیل‌کننده مناسبات و تعاملات میان افراد برشمرد. تقویت بلوغ فرهنگی و اخلاقی جامعه بر رازداری و تقویت اخلاقمداری افراد جامعه به طور کلی و اعضای هیئت‌علمی به طور خاص، موثر می‌باشد. تحقق این امر به افزایش سرمایه اجتماعی و اعتمادسازی می‌انجامد و این عوامل تماماً بر توسعه تعاملات غیررسمی اثرگذار است. اما نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که این تاثیرگذاری به صورت متقابل اتفاق می‌افتد. بدین معنی که توسعه تعاملات غیررسمی در نهاد علم نیز سبب ترمیم فرهنگ دانشگاهی و توسعه فرهنگ دانشگاه و جامعه می‌شود. افراد می‌توانند از طریق تعاملات غیررسمی خود بر فرهنگ رسمی سازمان نیز اثر بگذارند و سبب تعالی، عمق، پویایی، دوام، اثربخشی، ارزش‌دهی و سرزندگی فرهنگ رسمی شوند. افزایش سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگ سازمانی، قوانین و ساختارها، استقلال نهادی و آزادی آکادمیک، انعطاف‌پذیری سیستم مدیریتی در امور مربوط به فعالیت‌های اعضای هیئت‌علمی در شرایط خاص، برگزاری جلسات مشترک متعدد با بیرون از موسسه و فرهنگ رشته‌ای در توسعه و تسهیل مناسبات و تعاملات غیررسمی اعضای هیئت‌علمی در قالب گعده‌ها و اکیپ‌های دوستانه، به عنوان بخشی از زیست‌جهان آنها تاثیر بسزایی دارد.

بنابراین با پذیرش تمام منافع و مزایای این فضا و به‌کارگیری راهکارهای کاهش آسیب‌های آن، برخی از کارکردهای موسسات را می‌توان به فضای غیررسمی اعضای هیئت‌علمی واگذار کرد. اعتماد سیستم‌های مدیریتی به فضای غیررسمی و تسهیل مناسبات و تعاملات، سبب نظارت اجتماعی غیررسمی و بالارفتن هزینه بی‌اخلاقی، تحقق یادگیری ضمنی و مشارکتی، رشد و بالندگی، ایجاد حس سرزندگی و انگیزش برای انجام پژوهش، توسعه فرهنگ دانشگاهی، کمک به جامعه‌پذیری هیئت‌علمی جدید، کسب فهم میان‌رشته‌ای و شکل‌گیری شبکه‌های علمی برای عاملان و کنشگران است که در فضای غیررسمی و در قالب اقدامات نرم و نهفته محقق می‌شود.

- [23] Hayavi, F. (2011). **Intersubjective Communication in Husserl's Phenomenological Lifeworld**. *Philosophical Researches*, 7(19), 103-135. {In Persian}
- [24] Morimoto, S. A., & Friedland, L. A. (2011). **The Lifeworld of Youth in the Information Society**. *Youth & Society*, 43(2), 549-567.
- [25] Ritzer, G. (2001) **Sociological Theory in Contemporary Times**. Tehran: *Scientific Publications*. {In Persian}
- [26] Outhwaite, W. (2015). Habermas, Jürgen (1929–). **International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences**. Amsterdam: *Elsevier*.
- [27] Milner, A., & Bravitt, J. (۱۹۹۹). **An Introduction to Contemporary Cultural Theory**, Tehran: *Qaqmos*. {In Persian}
- [28] Jalaipour, H., & Mohammadi, J. (2013). **Late Sociological Theories**, Tehran: *Nei*. {In Persian}
- [29] Niemi, P. M. (2017). **Students' Experiences of Social Integration in Schoolwide Activities—an Investigation in the Finish Context**. *Education Inquiry*, 8(1), 68-87.
- [30] Habermas, J. (1985). **The Theory of Communicative Action: Volume 1: Reason and the Rationalization of Society** (Vol. 1). Beacon press.
- [31] Voordijk, H. (2019). **Building Information Modeling and its Impact on Users in the Lifeworld: A Mediation Perspective**. *Frontiers of Engineering Management*, 6, 193-206.
- [32] Noorshahi, N., & Farstkhah, M. (2012). **Quality of Working Life of Faculty Members Based on their Lived Experience**. *Iranian Journal of Higher Education*, 4(2), 37-64.
- [33] Van Manen, M. (1997). **Researching Lived Experience: Human Science for an Action Sensitive Pedagogy (2nd Ed)**. London, Canada: *The Althouse Press*.
- [34] Broomé, R. (2011). **Descriptive Phenomenological Psychological Method: An Example of a Methodology Section from Doctoral Dissertation** (pp. 1-23). *Selected Works*.
- [35] Creswell, J. (2012). **Qualitative Survey and Research Design**. Tehran: *Safar*. {In Persian}
- [36] Moustakas, C. (1994). **Phenomenological Research Methods**. *Sage Publications*.
- [37] Collins, R. (2009). **The Sociology of Philosophies: A Global Theory of Intellectual Change**. *Harvard University Press*.
- [38] Cheang, M. (2002). **Older Adults' Frequent Visits to a Fast-Food Restaurant: Nonobligatory Social Interaction and the Significance of Play in a "Third Place"**. *Journal of Aging Studies*, 16(3), 303-321
- [39] Lefebvre, H., (1991). **Critique of Everyday Life**, John Moore (Trans.), *Verso*.
- [40] Khoshnam, M. (2021). **Phenomenology of Place in Student's LifeWorld of Tehran University (Case Study: Student's University of Tehran)**. *Iranian Higher Education*; 13 (1): 62-99. {In Persian}
- [10] Khazai, T. (2022). **The Experience of Cancer Patients in the Discontinuity of Lifeworlds and the Continuity of Social Intersubjectivity**. *Social Sciences Quarterly*, 29(96), 118-77. {In Persian}
- [11] Jakubik, M. (2023). **Cultivating the Future in Higher Education: Fostering Students' LifeWorld Becoming with Wisdom Pedagogy**. *Trends in Higher Education*, 2(1), 45-61.
- [12] Tilak, S., & Glassman, M. (2020). **Alternative Lifeworlds on the Internet: Habermas and Democratic Distance Education**. *Distance Education*, 41(3), 326-344.
- [13] Asghari, F. (2021). **A phenomenological Study of the Lived Experience of Iranian Students as International Students**. *Two Quarterly Journals of Higher Education Curriculum Studies*. (24) 12. 394-365. {In Persian}
- [14] Farasatkah, M. (2015). **Lived and Perceived Experiences of Students, a Case Study of an Iranian University**. *Iranian Journal of Higher Education*, 7(2), 25-70. {In Persian}
- [15] Todorović, D., Sieckelinck, S., Manders, W., van der Linden, J., & Timmerman, M. C. (2023). **Developmental Needs of Adolescents in the Online Lifeworld in the Context of Youth Work**. *European Social Work Research*, 1(2), 165-182.
- [16] Malabanan, J. J. V., Carpena, J. M. A., & Demeterio III, F. P. A. (2022). **The Lifeworld of Millennial Stage Actors in Metro Manila: A Schutzian Phenomenological Study**. *Wacana Seni Journal of Arts Discourse*, 21.
- [17] Hedayat, O. (2023) **A Phenomenological Understanding of the Lifeworld of Borderline Girls Facing the Situation of Graduation**. *Women in Development and Politics*, 21(2) 381-360. {In Persian}
- [18] Haj Mohammad Kazemi, H., Tahani, H., & Tajuddin, M. (2022). **Cultural Study of two Lifeworlds of Tehrani Women; Religious Board and Coffee Shop**. *Scientific Quarterly of Intercultural Studies*. (17) 52. 9-38. {In Persian}
- [19] Nejati Hosseini, M. (2019). **The Social and Cultural Consequences of the Corona Virus in the Life of Religious Life-World: a Sociological Narrative of the Attitudes and Behaviors of Religious Activists and Religious Communities in the Corona-Affected World**. *Evaluation of Social Effects*, 1(2) *Special Issue of the Consequences of the Spread of the Corona-Covid Virus* (19). 105-150. {In Persian}
- [20] Bashiriyeh, H. (1997). **History of Political Ideas in the 20th Century**, Tehran: *Nei*. {In Persian}
- [21] Husserl, E. (1970). **The Crisis of European Sciences and Transcendental Phenomenology: An Introduction to Phenomenological Philosophy**. *Northwestern University Press*.
- [22] Christias, D. (2019). **Lifeworld Phenomenology and Science**. *Lifeworld Phenomenology and Science*, 261-286.